

قالی قم؛ یک فروغ رخ ساعی

این همه نقش می و عکس مخالف که نمود
یک فروغ رخ ساعی است که در جام افتاد
(خواجہ حافظ شیرازی)

فرش هنری انتزاعی و اکسپرسیونیسم (توصیفی)، قدمتی به درازای عمر بشر، بازتاب باورها، آرزوها و جغرافیای انسانها بوده است. در این بین قالی ایران با وجه تمایز بسیار، جایگاهی ویژه و در خور توجه در عرصه جهانی دارد. تا آنجا که کشفیات باستانشناسان اجازه می دهد، ایرانیان از عصر مفرغ (۱۵۰۰-۲۵۰۰ پ. م) با این هنر آشنا بوده اند. با توجه به کشفیات این خلوپین در ترکمنستان ابزاری در شمال ایران کشف شده و به نظر آقای دکتر حصوری در غرب و جنوب غربی ایران این هنر وجود داشته است. با آمدن آریاییان خونی تازه در رگهای این سرزمین جاری شد؛ روحیه ی حماسی های و اسطوره سازی این اسب سواران به دشتهای فراخ رسیده و ذوق آنها را برانگیخت تا خود دست به کار شوند. سرگئی رودنکو باستانشناس روس هنگام کاوش در گورهای اقوام سکایی منطقه پازیریک در دامنه های جنوبی آلتایی در سیبری موفق به کشف گنجینه ای شد. رودنکو پس از مشاهده این قالیچه متوجه شباهت نقوش گوزن خالدار (شاخ پهن، گوزنی ایرانی) خوزستان و بختیاری با نقوش تخت جمشید شد و گره زدن دم اسبان و کاکل آنها ایرانی بودن آن را به اثبات رساند و هم اکنون در موزه آرمنیاز نگهداری می شود.

سعید علممحمدی

کارشناس ارشد فرهنگ و زبانهای باستانی ایران

قم پیشتاز در هنر فرش

قم شهری است با قدمتی پنج هزار ساله و پیشینه فرهنگی غنی، قبل از اسلام کومه/کم (خانه کوچک از شاخ و برگ) نامیده می شد و از بدو اسلام رونق بیشتری گرفت و واژه کومه معرب شده و به قم تبدیل شد. قم قریب صد سال است که به تولید و صادرات فرش اشتغال دارد. در آغاز تجار و تولیدکنندگانی از شهر همسایه و هندوست، شهر کاشیکاری و گجبری یعنی کاشان به قم آمدند و این هنر را ترویج کردند. این را نیز باید افزود که در بین طایفه ها و عشایر اطراف قم ذهنی بافی رایج بوده است. در آغاز قالی پشم با خامه های زبر و خشن و رجشمار ۴۰ بافته می شد؛ تولیدکنندگان قمی با به کارگیری ابریشم در گلهای قالی جلوه های خاص به فرش دادند و رفته رفته قالیهای تمام ابریشم با رجشمار ۶۵ و برخی قالیها به بیش از ۷۰ رج را تولید کردند و دبیری نیابید که با سرعت روزافزون تولیدات خود را گسترش دادند؛ تا آنجا که قم یکی از پایه های صادرات فرش ایران شده است.

بافندگان چیره دست، با بازی انگشتان هنرورشان با نخ ابریشمین و رنگ طبیعی بر تار و پود و با طرح های نقاشان قالی که با نوآوری نقشه و طرحهای بی بدیل و زیبا، در اندازه های مختلف از قبیل زرع چهارک، زرع و نیم، دو زرع و شش متری و دوازده متری و ... نقشی چشم نواز می زنند؛ کالایی دقیق و ارزشمند را به جهانیان پیشکش کرده اند. به طور کلی می توان طرح های رایج در قالی قم را در موارد زیر خلاصه کرد: بندی خشتی (موزاییکی بختیاری)، بته ای، درختی، شکارگاه، هندسی جوشقانی، شاه عباسی، لچک ترنج، شاه عباسی افشان، محرمات، ترنجی کف ساده، بندی کتیبه ای، محرابی، گل فرنگ، ظل السلطانی، محتشم و خشتی.

نگارنده بر این باور است که: اگر چه قالیبافی قم در مقایسه با کرمان، تبریز و یا اصفهان عمری طولانی ندارد؛ اما حسن سلیقه در انتخاب نقشه، بدعت و خلاقیت در استفاده از نخ ابریشم مرغوب و رنگ طبیعی و بافت زیبا، راه چند صد ساله را در این چند دهه پیموده است. امیدواریم با توجه بیشتر مسئولان و حمایت از این صنف زحمتکش و بردبار شاهد تداوم و ابقا این هنر صنعتی در قم و سایر نقاط کشورمان باشیم و با تولید فرش های اصیل و کمتر تأثیر پذیرفته از بازارها و مدهای اروپایی و آمریکایی مانند گذشته بیشترین صادرات از آن کشور ما باشد.

در پایین نمونه هایی از فرشهای قم و قالی های اشاره شده در متن آورده شده است.

۱- فرش پازیریک ۲- فرش شیخ صفی ۳- فرش شکارگاه ۴- فرش کراکو و نمونه هایی از قالی های قم

گذری در تاریخ فرش

در دوران پارتها (۲۵۰-۲۲۶ م.) مانند دیگر پژوهش ها در این دوره اطلاعات چندانی وجود ندارد. تنها می توان به حفاری های شهر قومس اشاره کرد: کشف تکه نمدی پشمی قهوه ای رنگ از یک حلیقه. اما در دوران ساسانیان (۲۱۲-۶۵۲ م.) افسانه هایی وجود دارد که نشانگر رونق فرش در این زمان است چرا که ساسانیان خود را وامدار و وارث هخامنشیان (۳۲۱-۵۵۹ پ.م) می دانستند به این رو همان طور که پادشاهانی با سیاست بودند از هنر نیز غافل نماندند و فرش بهارستان موید آن است. قالی بزرگی که در تالار بار یکی از قصور شاهنشاهی تیسفون بود. چنانکه تعالی می گوید: «فرش و هارای (بهار) خسرو چهار قالی زربفت مروارید دوز و یا قوت نشان بوده است و هر یک فصلی را از سال نشان می داد و شصت ارش (حدوداً نیم متر) درازا و شصت ارش پهنا داشته، در فصل زمستان منظره بهاری را در برابر شاهنشاه می گسترده است. در متن آن خیابانها و جدولهای آب ساخته بودند و نهرها از میان باغی خرم می گذشت که کشتزارها و باغچه های پر میوه و سبزی آن را فرو گرفته بود. شاخ و برگ این اشجار از زر و سیم و گوهرهای رنگارنگ بود.» (کریستن سن، ص ۳۳۶)

در سده های نخستین هجری، یعنی مصادف با سلسله های طاهریان تا سامانیان به دلیل دگرگونی سیاسی قالیبافی چندان وجود نداشته است؛ اما مقدسی در کتاب احسن التقاسیم، مناطقی مانند قهستان در خراسان و شوشتر در خوزستان را نام می برد. محمد بن الجهمشیری در قرن چهارم می نویسد: در خراجی که حاکم تبرستان به خلفای عرب می پرداخته ششصد





**فرش و هارای (بهار) خسرو چهار
قالی زربفت مروارید دوز و یاقوت
نشان بوده است و هر یک فصلی را
از سال نشان می داد و شصت ارش
(حدوداً نیم متر) درازا و شصت ارش
پهنا داشته، در فصل زمستان منظره
بهاری را در برابر شاهنشاه
می گسترده است**

ویکتوریا و آلبرت است. فرش شکارگاه موزه ی پولدی پوتسولی در میلان نمونه ی دیگری از این فرشها است و یا فرش کراکو در پاریس. شاه عباس نیز دستور تاسیس کارگاههای فرش بافی در اصفهان و کاشان داد؛ جالب آنکه پادشاه لهستان سیگسموندا سوم (۱۶۳۲-۱۵۸۷ م.) سفارش فرشی را می دهد که به فرش لهستان معروف گشت. کمال الدین بهزاد و شاگردانش نگارگران برجسته پایه و اساس طراحی فرش ایران را ریختند.

با حمله ی افغانها وقفه ای کوتاه در این عرصه وارد شد اما دیری نگذشت که زندیان با آبادانی شهر شیراز و آرامش نسبی در جنوب کشور موجبات رشد قالی کرمان را فراهم کردند.

پس از زندها و قاجاریان که پادشاهانی تجملگرا و دوستدار زرق و برق بودند موجب درخشش فرش خراسان (بیرجند) شدند. در اواخر این سلطنت با تقاضای اروپاییان باعث رشد و احیا فرش شد. تقاضای شرکت‌هایی چون O.C.M، عطیه بورس و زیگلر در شهرهایی مانند اراک، همدان، کرمان و تبریز توسط کشورهای مثل انگلیس، آمریکا، سوئیس و یونان انجام می پذیرفت. ذکر این نکته لازم است که فرش از عهد ناصری (ناصرالدین شاه قاجار) امری ضروری در زندگی ایرانیان داشت و بیش از پیش در زندگی مردم جا باز کرده بود حتی اگر عکسی از اشرار و محکومین دارالخلافه گرفته می شد زیر پایش فرش پهن می شد.

در پایان این بخش به جملاتی از کتاب طراحان بزرگ فرش ایران بسنده می کنم: "نقاشی و مینیاتور از چین و هند آمده و فرش را ترکان سلجوقی و خط و کتابت را اعراب آورده‌اند، ولی در دل این آب و خاک و در دشت‌های وسیع و حاصلخیز این سرزمین و به دست گوهر پرور ذهن پربار مردم ما است که شعر حافظ و خط میر عماد و نقاشیهای بهزاد جان گرفته‌اند و قالی ایران این استوره‌ی غریب زندگی روستایی و چادر نشینی به هزاران شاخ و برگ زرانود و آراسته و زینت بخش زندگی و فرهنگ و تاریخ ما شده است." (صور اسرافیل، ص ۱۷)

منابع:
فرهنگ جامع فرش، دانشنامه ایران، ۷۶. سازمان چاپ و انتشارات یادواره اسدی.

فرش قم نگین فرش دستباف ایران؛ سازمان جهاد سازندگی قم؛ بدون تاریخ.

ژوله، تورج، ۱۳۷۶. پژوهشی در فرش ایران؛ انتشارات فرهنگیان.

پیرنیا، حسن؛ اقبال آشتیانی، عباس ۱۳۸۶. تاریخ ایران؛ بهزاد.

صور اسرافیل، شیرین، ۱۳۷۱. طراحان بزرگ فرش ایران؛ سروش.

کریستن سن، آرتور ۱۳۸۵، ایران در زمان ساسانیان؛ ترجمه رشید یاسمی، صدای معاصر، تهران.

قطعه قالی تبری وجود داشته است. متأسفانه از قرون نخستین هجری تا اواخر قرن پنجم هیچ دستبافته‌ی گرهداری که گویای توصیف آنچه مورخان باز گو کرده‌اند بدست نیامده، با این وجود گفته ها حاکی از پر رونق بودن این هنر در بیشتر نقاط ایران بوده است.

سلجوقیان (۵۹۱-۴۲۹ ه.ق) این سلاطین ترک، عشقی وافر به فرهنگ و ادب ایران داشتند پادشاهانی مانند الب ارسلان و ملکشاه با وزیری کارآمد چون خواجه نظام الملک آنان را به فرهنگ

ایرانی سوق داد حتی در آسیای صغیر ترکان عثمانی کاخ‌های خود را با تصاویری از شاهنامه می‌آراستند و زبان فارسی زبانی متداول در آسیای صغیر بود.

در دوران ایلخانیان مغول و تیموریان (۸۸۲-۶۱۷ ه.ق) با وجود اوضاع نامناسب هنرهایی چون معماری، فلزکاری و زری دوزی وجود داشته، به‌ویژه در زمان شاهرخ و پسرش میرزا الغ بیگ و سلطان بایقر. در این زمان است که مکتب هرات مرکز مهم قالی بافی با آن ریزه کاری‌ها بوجود می‌آید به‌این سبب غربیان به این گونه نقاشی واژه مینیاتور (miniature) اطلاق کرده‌اند و همین تصاویر ریز و کوچک است که بعدها نقوش قالی دوران صفویه از آن ملهم می‌شود.

صفویه (۱۱۴۵-۹۰۸ ه.ق) دوران پر شکوه قالی ایران به‌ویژه شهر اصفهان است. به دستور شاه تهماسب فرش شیخ صفی بافته شد و اکنون موزیم موزه‌ی

